

متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شما ره ۱ سعدی

اول دفتر به نام ایزد دانا

صانع پروردگار حی توانا

غزل ۱ سعدی با اول دفتر به نام ایزد دانا آغاز می شود. وزن غزل اول دفتر به نام ایزد دانا، مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (بحر منسرح مثنی مطوی منحور) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. شرح و تفسیر برگرفته از کتاب دیوان غزلیات استاد سخن به کوشش دکتر خلیل رهبر می باشد.

آنچه در ادامه می خوانید:

۱- متن غزل

۲- شرح و تفسیر غزل

۳- معنی لغات

متن غزل شماره ۱ سعدی

اول دفتر به نام ایزد دانا

صانع پروردگار حی توانا

اکبر و اعظم، خدای عالم و آدم

صورت خوب آفرید و سیرت زیبا

از در بخشندگی و بنده نوازی

مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا

قسمت خود می خورند منعم و درویش

روزی خود می برند پشه و عنقا

حاجت موری به علم غیب بداند

در بن چاهی به زیر صخره صما

جانور از نطفه می‌کند، شکر از نی

برگِ تر از چوبِ خشک و چشمه ز خارا

شربتِ نوش آفرید از مگسِ نحل

نخلِ تناور کند ز دانهٔ خرما

از همگان بی‌نیاز و بر همه مُشْفِق

از همه عالمِ نهان و بر همه پیدا

پرتو نورِ سُرَادِقَاتِ جلالش

از عظمتِ ماورایِ فکرتِ دانا

خود نه زبان در دهانِ عارفِ مدهوش

حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا

هر که نداند سپاسِ نعمتِ امروز

حیف خورد بر نصیبِ رحمتِ فردا

بارخدا یا مَهَلِّئِمْنِی و مُدَبِّر

وز همه عیبی مقدسی و مُبَرَّأ

ما نَتَوَانِیْمُ حَقَّ حَمْدِ تُو گفتن

با همه کَرَوْبِیَانِ عالمِ بالا

سعدی از آن جا که فهمِ اوست سخن گفت

ور نه کمالِ تو وهم کی رسد آن جا؟

شرح و تفسیر غزل شماره ۱ سعدی

اول دفتر به نام ایزدِ دانا
صانع پروردگارِ حَى توانا

صانع: اسم فاعل از صنع، کردگار و سازنده

حَى: زنده جاوید

معنی بیت: اول کتاب را به نام خداوند دانا و کردگار زنده همیشه جاوید توانا آغاز می کنم.

اکبر و اعظم، خدای عالم و آدم
صورتِ خوب آفرید و سیرتِ زیبا

اکبر: بزرگتر از هر چیز

اعظم: بزرگ و بزرگتر

سیرت: سیره، روش و طریقه

معنی بیت: خدایی که از هر چیز و هر کس بزرگتر و عظیم تر است. جهان را به زیبایی آفرید و سیره و روش های نیکو بر سر راه انسان قرار داد.

از درِ بخشندگی و بنده نوازی
مرغِ هوا را نصیب و ماهی دریا

نصیب: روزی، سهم، قسمت

ماهی دریا: ماهی دریا را نصیب است. ماهی دریا را مسند و نصیب مسندالیه و است رابطه است. حذف را و نصیب بقرینه اثبات آن در جمله معطوف الیه "مرغ هوا را نصیب" صورت گرفته است. مصرع دوم دو جمله مستقل است که فعل ربطی است به قرینه حالی از آخر آن ها حذف شده است.

معنی بیت: به کرم و لطف بنده پروری و بنده نوازی خداوند، بهره و قسمت و روزی پرندگان هوا و ماهیان دریا فراهم است.

قسمت خود می خورند مُنْعِم و درویش

روزی خود می بَرند پشه و عَنَقَا

قسمت : روزی، بهره، سهم

مُنْعِم : توانگر و مالدار

درویش : بی چیز، بی نوا، فقیر

عَنَقَا : سیمرغ

معنی بیت : فقیر و غنی، پشه و سیمرغ، هر کسی فقط روزی و سهم خودش را می برد و می خورد.

حاجتِ موری به علمِ غیب بداند

در بن چاهی به زیرِ صخرهٔ صَمَّا

حاجت : نیاز

مور: مخفف مورچه

بُن چاه : بن به معنای بیخ، پی و پایان است. بن چاه یعنی ته چاه

صخرهٔ صَمَّا : سنگ بزرگ سخت. صما با فتح ص و تشدید م به معنای سخت و محکم است.

معنی بیت : خداوندی که با علم غیب الهی از نیاز و احتیاجات مورچه ای که در ته چاهی و در زیر سنگ بزرگ و سخت و محکمی زندگی می کند آگاهی دارد. حاصل کلام آن که همه چیز را می داند و به همه کس توجه دارد.

جانور از نطفه می‌کند، شکر از نی
برگِ تر از چوبِ خشک و چشمه ز خارا

نطفه: آب پاک و صاف، منی، سلول تخم که از اسپرم مرد و تخمک زن تشکیل یافته

نی: گیاهی است از تیره گندمیان که ساقه هوائیش برخلاف گندمیان دیگر توپر است و بافت سلولی داخل ساقه، محتوی مقدار زیادی شیره قندی قابل استخراج می باشد.

خارا: نوعی سنگ سخت؛ گرانیت

معنی بیت: خداوندی که موجودات را از یک نطفه و شکر را از نی، برگ سبز و تازه را از چوب خشک و چشمه آب روان را از سنگ سخت خلق می کند.

شربتِ نوش آفرید از مگسِ نحل
نخلِ تناور کند ز دانه خرما

شربت نوش: اضافه بیانی است به معنای عسل

مگس نحل: زنبور عسل

تناور: سستبر، قوی هیکل

معنی بیت: خداوندی که از زنبور، عسل و انگبین و از دانه خرما درخت های نخل عظیم الجثه را پدید آورد.

از همگان بی‌نیاز و بر همه مُشْفِق
از همه عالمِ نهان و بر همه پیدا

مُشْفِق: دل‌سوز؛ مهربان

معنی بیت: خداوندی که به کسی نیاز ندارد و در عین بی‌نیازی با همه مهربان و دل‌سوز است. خداوندی که در عین این که از چشم همه ظاهربینان پنهان است ولی نشانه های وجودی او بر دیده اهل نظر هویدا و آشکار است

پرتو نور سُرَادِقَاتِ جَلَالِش
از عظمتِ ماورایِ فِکرتِ دانا

سُرَادِقَاتِ جَلال: خیمه ها و سراپرده های بزرگ

فِکرت: اندیشه

ماورای: آنچه پس چیزی باشد. ورا و برتر از چیزی

معنی بیت: پرتو نور و عظمت آفرینش او خارج از تفکر و اندیشه هر انسان دانا و دانشمندی است.

خود نه زبان در دهانِ عارفِ مدهوش
حمد و ثنا می کند که موی بر اعضا

مدهوش: حیران، شگفتزده، سرگشته، مبهوت، متحیر

حمد و ثنا: ستایش و عبادت خداوند

که: بلکه

معنی بیت: نه تنها عارف خدانشناسی که از عشق الهی حیران و سرگشته است با زبان ذکر و ورد خدا می گوید که حتی تار موهایی که بر اندام هستند همه به عبادت و ستایش خدا مشغولند.

هر که نداند سپاسِ نعمتِ امروز
حیف خورد بر نصیبِ رحمتِ فردا

حیف خوردن: افسوس خوردن، دریغ خوردن، پشیمان شدن

نصیب: قسمت، روزی

فردا: روز قیامت

معنی بیت: هر کسی که قدر بهره و مال و روزی که دارد نداند و شکرگزار آن نباشد، فردای قیامت حسرت و افسوس رحمت و بخشایشی که خداوند قرار بود به او داشته باشد را می خورد.

بارخدایا مَهْمِنِی و مُدَبِّر
وز همه عیبی مقدسی و مُبَرِّأ

بارخدایا: ای خدای بزرگ

مَهْمِنِی: نگهبان و ایمنی بخش هستی، اسم فاعل از هیمنه

مُدَبِّر: چاره ساز، کارساز

مقدسی: پاک و منزه هستی

مُبَرِّأ: پاک گردانیده، اسم مفعول از تبرئه

معنی بیت: ای خدای بزرگ تو نگهبان و ایمنی بخش و کارساز و چاره سازی و از همه نقابص و عیوب پاک و منزه هستی

ما نَتَوَانِیْمُ حَقَّ حَمْدِ تَوِ گفتم
با همه کَرَوْبِیَانِ عَالَمِ بِالَا

کَرَوْبِیَانِ: فرشتگان مقرب، فرشتگان مهتر

عَالَمِ بِالَا: آسمان، جهان برین

معنی بیت: همه ما انسان ها با همه فرشتگان مقرب درگاهت نمی توانیم آنچه که شایسته و بایسته است، تو را ستایش کنیم.

سعدی از آن جا که فهمِ اوست سخن گفت
ور نه کمالِ تو وهم کی رسد آن جا؟

وَهْم: گمان، خیال، پندار

معنی بیت: سعدی به اندازه ای که می فهمد به وصف و ستایش تو پرداخت و گر نه گمان و خیال و پندار آدمی به آن جایگاه رفیعی که کمال ذات توست، هزگر نمی تواند راه پیدا کند.

نویسنده: دکتر زند